

نظام العلماء سبزواری

مظفرالدین شاه قاجار دوتن از دانایان عهد خویش را نظام العلماء لقب داد یکی مرحوم نظام العلماء طباطبائی تبریزی که غالب آثار پارسی و تازی او بچاپ سنگی رسیده است و بانوی شاه (فرح پهلوی) رابدوانتساب است و دیگری مرحوم نظام العلماء سبزواری خراسانی برادر امین الشریعه (پدر بزرگ من) . شرح احوال این هر سه مکرر چاپ شده است و محتاج تکرار نیست .

از نظام العلماء برادر امین الشریعه به نظم و نثر آثاری برجای مانده است که می شاید آنها را یکجا و یکپارچه بصورت کتابی نشر کرد و این مقاله دیباچه آن مجموعه تواند بود .

مقام شعر نزد عالمان مسلمان

عرب جاهلی را شعر برترمزیتی و مفخری بود . با ظهور اسلام رونق شعر کاست و خطابه در جامعه اسلامی جای گزین شعر شد و شاعر که در صف مقدم بود جای خود را به خطیب و سخنران داد . از پیامبر اسلام (از طریق عامه) روایت است که لو امتلاء راه سا حدکم قیحا خیرا " من الشعر . من بعهد بلوغ جسمانی عظیم زاهد بودم و ... یاد دارم که ادعیه و اعمال روز و شب جمعها به مفاطیح الجنان (تألیف مرحوم حاج شیخ عباس قمی) می نگریستم در آنجا (البته از طریق خاصه) روایتی یافتم که نقل اشعار در شب و روز جمعه در زمره مکروهات اثبات افتاده بود .

ابن فندق ابوالحسن علی بن زید بیهقی در تاریخ بیهق نوشته است که الشعرا علی درجه الوضیع و ادنی درجه الرفیع . (تاریخ بیهق ، به تصحیح مرحوم احمد بهمنیار ، چاپ وزارت فرهنگ ، ۱۳۱۷ ه . ش) شاعر حکیم انوری ابیوردی در آن قصیده که در مدح قاضی حمیدالدین بلخی ساخته است گفته : عاقلان راضی به شعر از اهل حکمت کی شوند ؟ و هلم جرا " شواهد بسیار است .

با این همه گفتن شعر عالمان و عارفان را نفی نیست چنان که شیخ محمود شبستری در گلشن راز گفته است :

مرا از شاعری خود عار ناید که در صد قرن چون عطار ناید

هرچند مصرع ثانی بی گمان جای نزاع است (بنگرید به افاضات آقای دکتر مهدی حمیدی شیرازی در باب آثار عطار در شماره‌های سابق مجله پنجا). بسیاری از دانایان اسلام (بیشتر اهل معقول و کمتر اهل منقول) طبع شعر خویش می‌آزموده‌اند و بیشتر و کم اشعاری می‌گفته (خاصه حکمای عهد صفویه و پس از آن) نمونه‌ی از بسیار به نام این بزرگان اشارت می‌رود: خیامی (خیام)، ابن سینا، فخر رازی، میرداماد، ملاصدرا، شیخ بهائی، قطب‌الدین نیریزی، فیض‌کاشانی، فیاض لاهیجی، حاجی ملاهادی، آقا محمد رضا قمشهی، میرزا - ابوالحسن جلوه و ...

نظام العلماء بجهت خوی درویشی که داشت "فقیر" تخلص می‌کرد. نام خانوادگی را نیز سید فقیر گذاشت. اکنون نمونه‌ی از آثار منظوم او را در این مقال می‌آوریم:

یا کدوی دهر خالی، یا که من خالی کدویم
 گاه چون موزعیفم، که پلنگ تند خویم
 که طریق کعبه گیرم، که ره بتخانه پویم
 ای عجب دیدم: ندیدم، باز هم در جستجویم
 می‌نشد حاصل امیدم، همچنان در آرزویم
 راز دل را با که گویم؟ چاره درد از که جویم؟
 چون به مقصودش رساندم، خود شد آواز گوییم^(۱)
 روی نحسش را نبینم نام ننگش را نگویم
 قوتم از خار بیابان، آبم از خون گلویم
 که رهین دوستانم، گاه مرهون عدویم
 که به ذکر ورد همدم، گه بی جام و سبویم
 نه ز طاعت روسپیدم نه ز باده سرخ رویم
 گاه نفسم می‌کشاند چون بهایم سو بسویم
 گاه خود آب قراحم، ساری اندر مرز جویم^(۲)
 که سلیمان جهانم، گاه دیو زشت جویم
 گاه جالینوس عقلم ساکت از لایب نطقوم^(۳)
 وای از نادانی خود داد ازین خالی کدویم
 تا که فارغ گرددم جام از خیال‌های وهویم
 کای غریق بحر فکرت آگوش کن پند نکویم
 هم ز خود بشناس او را، تا ببینی: من خود اویم
 گریه‌هندی و ربه چینی، بایدا ز خود دید رویم

مدتی شد با کدویم (۱) روز و شب در گفتگویم
 از گریبانم به هر آنی، بر آرم سربیه حالی (۲)
 در طلب از بهر مقصودی که نامش را ندانم
 سعی‌ها کردم مگر پیدا کنم صاحب‌دلی را
 از طریقت آنچه دیدم، گفت هر یک را شنیدم،
 هر که او را راهبر پنداشتم خود راهزن بد
 نا کسی را کس گمان بردم به راهش جان فشاندم
 آن که را با خون دل از شیریه جان پروریدم
 چون شتر در زیر بارم، لاف آزادی بر آرم
 دادا از این زندگانی کز برای لقمه نانسی
 گاه حیرانم ز کثرت (۴) گاه مدهوشم ز وحشت^(۵)
 نه ز راهد طرف بستم، نه ز عارف بهره مندم
 گاه عشقم می‌رباید حالت وحدت ز کثرت
 گاه اهل بیسم، گاهی جبریل، که جرم ثقیلم
 که براهیمم در آذر، گاه نم‌رود بد اختر
 گاه بر عرش استوارم، گاه خاک رهگذارم
 نه حسد بردم به مالی، نه بر شکم از جلالی
 کله را باید شکستن، یا کدو را کندن از تن
 با کدو بودی خطابم، کز کدو آمد جوابم
 واگذار این رنگ و بورا، گوش کن پند کدو را
 یک طرف نه این دو بینی، گرد و بینی این خطابم

بعدها را پیش دیدم. نیست دیگر آرزویم
گربسازای اربابیم، گرشکافی موی مویم (۸)
من که خود در شهر مصرم راه مصر از کس نجویم
رهبر و یک شاهراهم، سوی دیگر نیست سویم
عاشقم بر روی جانان، فارغ از هر گفتگویم
جز به دیدارش نسازم، در پی او کو بگویم

بین که سودای رخس بخشید سود بی زوالم
در مقال غیر نطقم، در حضور دوست لالم
در حساب و علم اعداد اوستاد دانیالم
مصر عرفان را خدیوم، یوسف صاحب جمالم
کهنترین یاران عیاران طراران خصالم
پیروشه نعمه الله خضر ظلمات ضلالم
ای وجودت باعث ابقاء درویشان عالم
یک حضور حضرتت عالی تر از عرش جلالم
حاجیان گم کرده ره، من کامیاب اندر وصالم
کعبه در کاخ آمد از الطاف حی لایزالم
آقای سیدعلینقی امین (فرزند مرحوم امین الشریعه و برادرزاده مرحوم نظام العلماء)

قصیدتی در استقبال این قصیده، نظام العلماء سروده اند بدین مطلع:

باز آتش زد بجانم عشق حی ذوالجلالم

نظام العلماء را قصیدتی دیگر است به مطلع زیر:

من رفیق حاکم معزول و دزد دستگیرم
خسرو ملک معانی، کشور جان را امیرم
مرحوم حاج سید عبداللہ برهان که از افاضل روحانیان سبزواری بود به اقتفاء این قصیده
نظام العلماء قصیدتی ساخته است که مطلع آن چنین است:

من که امروز این چنین در چشم کوتاه بین حقیرم
داور ملک معانی، کشور جان را امیرم
گرچه همجو همزه وصل از حریم لهجه دورم
مایه ربط زمین با آسمان آمد ضمیروم
نظام العلماء این رباعی را بمناسبت سفر خراسان شمس العرفاء سروده است:

تا شمس جهان معرفت اندر طوس
فرمود ورود خدمت شمس شمسوس
در عرش شدند حوریان اندر رقص
در فرش فرشتگان زدندی ناقوسیا

یار را در خویش دیدم، خویش را در خویش دیدم
غیر تو حیدش نیایی اندر اعصاب و عروقم
در حضور یوسفم، و ایوسف از من روانیست
گرسبیدم و رسیاهم، جمله مرآت الهم
سالکم دروادی جان، بی خبر از کفر و ایمان
من "فقیر" بی نیازم، هر دم آوازی نوازم،
نیز او راست:

گرچه اندر بحر حیرت، غرق سودا و خیالم
در مقام صدق مومم در مصاف خصم آهن
سالک راه حقم، هم مسلک اهل سلوکم
در رموز فقر و حکمت نالی بود ز جمهرم
کوچک ابدال فقیران در سلطان حسینم (۹)
مظهر ذات علی، نایب مناب شیخ قاسم (دوس)
ای جمالت نور بخش چشم مشتاقان گیتی
یک طواف در گهت بالاتر از بیت الحرام است
حاجیان در کعبه جویای حق و من در حضورم
شکر یزدان چون کنم بی زحمت و بی محنت راه
آقای سیدعلینقی امین (فرزند مرحوم امین الشریعه و برادرزاده مرحوم نظام العلماء)



شهرداری پایتخت

آگهی تجدید مناقصه

تواند همه روزه غیر از ایام تعطیل تا آخر وقت اداری ۳۱/۳/۳۷ در ساعات اداری (۷ الی ۱۵½) بدفتر قسمت تدارکات شهرداری پایتخت (واقع در خیابان ایرانشهر - ساختمان مرکزی شهرداری طبقه اول) مراجعه و برگ مشخصات کامل شرکت در مناقصه را دریافت دارند. پیشتهادات ساعت ۱۰ روز ۳۷/۳/۳۷ در حضور اعضاء کمیسیون مناقصه باز و قرائت میشود.

شهرداری پایتخت در نظر دارد سه قلم میله آهنی با مشخصات زیر را از طریق مناقصه خریداری نماید.

- ۱- میلگرد ۱۲ بصورت شاخه ۴۰۰۰۰ (چهل هزار) کیلو
 - ۲- میلگرد نمره ۸ بصورت شاخه ۸۰۰۰۰ (هشتاد هزار) کیلو
 - ۳- مفتول ۱۵ سیاه ۴۰۰۰ (چهار هزار) کیلو
- داوطلبان شرکت در مناقصه می-

شهرداری پایتخت

* برندهٔ جایزه علمی دانشگاه گلاسگو (انگلستان، ۱۹۷۷)

(۱) کدو، سر، کله

(۲) حال نزد فلاسفه کیفیات نا پایدار نفس است در برابر ملکه که حالت نفسانی پایدار است و نزد عارفان هرچه بمحض موهبت بردل سالک بی تعمد او وارد شود حال است و چون دائمی شد مقام .

(۳) اعدی عدو: دشمن ترین دشمنان. اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک .

(۴) کثرت و قلت از امور اضافی اند. کثرات و موجودات در عین کثرت، مندک وفانی در وحدت اند .

(۵) وحدت، مساوی و مساوق " وجود " است. " وجود " واحد است و موجودات کثرات .

(۶) اشارت است به "عناصراربعه" به ترتیب آتش، باد، خاک، و آب .

(۷) شاید اشارت باشد به وقع القول علیهم بما ظلموا فهم لاینطقون، آیه ۸۵، س ۲۷ قرآن .

(۸) ولو قطعتنی فی الحب اربا " لماحن الفوءاد الی سواک

(۹) سلطان حسین شمس العرفا

(۱۰) شیخ عبدالقدوس کرمانشاهی مرشد شمس العرفاء .